

A Comparative Study of the Position of Mediation in the Family Dispute Resolution Systems of Iran and France

Mahdieh Mohammadi Taghizadeh¹  | Narges Sadat Hosseinpour² 

1. Associate Professor, Department of Women's Studies, Allameh Tabataba'i University. Email: m.mtaghizade@yahoo.com
2. Corresponding Author, Master's Degree in International Law. Email: narges.hosseinpour75@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
25 January 2026
Received in revised form:
09 April 2026
Accepted:
24 April 2026
Published online:
05 May 2026

Keywords:
Mediation,
Family Conflicts,
Dispute Resolution,
Comparative Study

The role of mediation in resolving family conflicts has gained increasing importance in recent years, as it has emerged as an effective alternative to judicial proceedings in family disputes. Mediation is a voluntary and confidential process in which an impartial third party facilitates communication among family members, helping them express their concerns and perspectives, identify the underlying issues, and jointly work toward reaching mutually acceptable solutions. By placing decision-making control in the hands of the parties, this process often leads to more sustainable and satisfactory outcomes. Furthermore, compared with judicial proceedings, mediation is more efficient in terms of cost and time and is considered a more suitable option for families seeking to preserve their relationships and manage their disputes peacefully. In general, mediation plays an effective role in addressing the diverse needs of family members by fostering understanding and cooperation and by providing creative solutions. The expansion of family mediation can be attributed to several factors, including the desire to reduce the backlog of cases in family courts through the development of alternative dispute resolution methods; the need for more efficient, less costly, and faster processes; an emphasis on preserving family relationships, particularly in cases involving children; and recognition of the emotional nature of family disputes, which requires specialized approaches to facilitate communication and mutual understanding. In this regard, the present study, using a library-based research method and adopting a descriptive-analytical, comparative, and inferential approach, examines the role of mediation in resolving family conflicts within the legal systems of Iran and France.

Cite this article: Mohammadi Taghizadeh, M., Hosseinpour, N. S. (2026). A Comparative Study of the Position of Mediation in the Family Dispute Resolution Systems of Iran and France. *Comparative Studies of Jurisprudence and Family Law*, 1(1), 1-10.

© Mohammadi Taghizadeh, M., Sadat Hosseinpour, N. Publisher: University of Sistan and Baluchestan

بررسی تطبیقی جایگاه میانجی‌گری در نظام حل اختلافات خانوادگی: ایران و فرانسه

مهدیه محمدتقی‌زاده^۱ | نرگس السادات حسین‌پور^۲✉

۱. دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی، رایانامه: m.mtaghizade@yahoo.com
 ۲. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، رایانامه: narges.hosseinpour75@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵ واژه‌های کلیدی: میانجی‌گری، تعارضات خانوادگی، حل و فصل اختلاف، مطالعه تطبیقی	نقش میانجی‌گری در حل تعارضات خانوادگی در سال‌های اخیر از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده است؛ زیرا به‌عنوان جایگزینی مؤثر برای رسیدگی‌های قضایی در اختلافات خانوادگی مطرح می‌شود. میانجی‌گری فرآیندی داوطلبانه و محرمانه است که در آن شخص ثالثی بی‌طرف با تسهیل ارتباط میان اعضای خانواده، به آنان کمک می‌کند تا نگرانی‌ها و دیدگاه‌های خود را بیان کرده، مسائل اساسی را شناسایی نموده و به‌صورت مشترک در جهت دستیابی به راه‌حل‌های قابل قبول گام بردارند. این فرآیند با واگذاری کنترل تصمیم‌گیری به طرفین، غالباً به نتایجی پایدارتر و رضایت‌بخش‌تر منتهی می‌شود. افزون بر این، میانجی‌گری در مقایسه با رسیدگی قضایی، از حیث هزینه و زمان کارآمدتر بوده و برای خانواده‌هایی که در پی حفظ روابط و مدیریت مسالمت‌آمیز اختلافات هستند، گزینه‌ای مناسب‌تر محسوب می‌شود. به‌طور کلی، میانجی‌گری با تقویت تفاهم، همکاری و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه، نقش مؤثری در پاسخگویی به نیازهای متنوع اعضای خانواده ایفا می‌کند. گسترش میانجی‌گری خانوادگی را می‌توان ناشی از عوامل متعددی دانست؛ از جمله: تمایل به کاهش حجم پرونده‌های معوق در دادگاه‌های خانواده از طریق توسعه روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف؛ نیاز به فرآیندهایی کارآمدتر، کم‌هزینه‌تر و سریع‌تر؛ تأکید بر حفظ روابط خانوادگی، به‌ویژه در مواردی که کودکان درگیر هستند؛ و نیز توجه به ماهیت عاطفی اختلافات خانوادگی که مستلزم رویکردهای تخصصی در جهت تسهیل ارتباط و درک متقابل است. در این راستا، پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، تطبیقی و استنتاجی، به بررسی نقش میانجی‌گری در حل تعارضات خانوادگی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه می‌پردازد.

استاد: محمدتقی‌زاده، مهدیه؛ حسین‌پور، نرگس‌السادات. (۱۴۰۵). بررسی تطبیقی جایگاه میانجی‌گری در نظام حل اختلافات خانوادگی: ایران و فرانسه، مطالعات تطبیقی فقه و حقوق خانواده، (۱)، ۱-۱۰.

۱- مقدمه

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه نقش روش‌های حل‌وفصل جایگزین اختلاف (ADR) در تعارضات خانوادگی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه انجام شده است. در این راستا، تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر انتخاب و میزان اثربخشی این روش‌ها، به‌ویژه میانجی‌گری و مذاکره، در فرآیند رسیدگی به اختلافات خانوادگی مورد توجه قرار می‌گیرد.

نقش میانجی‌گری در حل تعارضات خانوادگی را می‌توان در بستر شکل‌گیری و گسترش شیوه‌های جایگزین حل اختلاف (ADR) تحلیل کرد. با گذشت زمان، روش‌های سنتی دادرسی به دلیل هزینه‌بر بودن، طولانی‌بودن فرآیند رسیدگی و نیز آثار منفی بر روابط طرفین، کارایی مطلوب خود را در بسیاری از اختلافات خانوادگی از دست داده‌اند. در مقابل، روش‌های ADR از جمله میانجی‌گری و داوری، به‌ویژه در حوزه حقوق خانواده، به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر، محرمانه و غیرخصمانه، مورد استقبال بیشتری قرار گرفته‌اند.

در نظام حقوقی ایران، توسل به شیوه‌هایی همچون میانجی‌گری و سازش، سابقه‌ای طولانی دارد؛ با این حال، با گسترش ساختارهای حکومتی و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، مراجعه به محاکم دادگستری به‌تدریج جایگزین روش‌های دوستانه حل‌وفصل اختلاف گردید. با وجود این تحول، مقرراتی به‌صورت پراکنده در جهت تشویق استفاده از شیوه‌های جایگزین به تصویب رسیده است.

با وجود آنکه ADR در شکل نوین خود سابقه‌ای نسبتاً کوتاه داشته و به‌طور عمده از دهه ۱۹۸۰ میلادی گسترش یافته است، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که اشکال مختلف آن در جوامع بشری از دیرباز وجود داشته است. در واقع، برخی پژوهشگران منشأ حل‌وفصل اختلافات را در دوره‌های پیش از شکل‌گیری نظام‌های رسمی قضایی جست‌وجو می‌کنند؛ دوره‌ای که در آن، نبود ساختارهای حکومتی منسجم و سادگی روابط اجتماعی، زمینه رجوع به اشخاص معتمد برای حل اختلافات را فراهم می‌ساخت.

۲- پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، موضوع میانجی‌گری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات، به‌ویژه در حوزه خانواده، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این راستا، مطالعات متعددی در سطح داخلی و بین‌المللی انجام شده که هر یک به بررسی ابعاد مختلف این نهاد پرداخته‌اند.

در پژوهشی، پورآقا و صادقی‌نژاد پاریزی (۱۳۹۵) به بررسی مصالحه به‌عنوان یکی از روش‌های غیرقضایی حل اختلاف در نظام حقوقی ایران پرداخته و بر نقش آن در کاهش اطاله دادرسی و حفظ روابط طرفین تأکید کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های جایگزین، به‌ویژه در دعاوی خانوادگی، می‌تواند کارآمدی نظام قضایی را افزایش دهد.

همچنین، اربابی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با موضوع قضا‌دایی از دعاوی خانواده، به اهمیت توسعه نهادهای جایگزین حل اختلاف از جمله میانجی‌گری اشاره کرده و آن را راهکاری مؤثر در کاهش حجم پرونده‌های قضایی و تقویت حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات دانسته است.

در سطح بین‌المللی، بک و سیلز (Beck & Sales, 2001) در پژوهش خود، میانجی‌گری خانوادگی را به‌عنوان روشی کارآمد در مدیریت تعارضات معرفی کرده و بر مزایایی همچون کاهش هزینه، افزایش رضایت طرفین و پایداری نتایج تأکید دارند.

همچنین، امری (Emery, 2011) در مطالعه‌ای پیرامون حل تعارضات خانوادگی، نشان می‌دهد که میانجی‌گری می‌تواند با کاهش تنش‌های عاطفی و تقویت ارتباط میان طرفین، به حفظ روابط خانوادگی کمک کند. با وجود پژوهش‌های انجام‌شده، بررسی تطبیقی نقش میانجی‌گری در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، به‌ویژه با تأکید بر ابعاد فرهنگی و حقوقی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است با اتخاذ رویکردی تطبیقی، به تبیین جایگاه و کارکرد میانجی‌گری در این دو نظام حقوقی بپردازد.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- بخش اول: نقش میانجی‌گری در نظام‌های حقوقی

۳-۱-۱- نقش میانجی‌گری در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، استفاده از نهادهایی همچون حکمیت و سازش، سابقه‌ای دیرینه دارد. با این حال، با گسترش قلمرو حاکمیت و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، رجوع به محاکم دادگستری به تدریج جایگزین شیوه‌های دوستانه حل و فصل اختلافات شد. علی‌رغم این تحول، قانون‌گذار در مقاطع مختلف تلاش کرده است از طریق وضع مقرراتی پراکنده، زمینه استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف را فراهم سازد.

در این راستا، برای نخستین‌بار در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی و به موجب قانون اصول محاکمات حقوقی، نهاد داوری به عنوان شیوه‌ای جایگزین وارد نظام قانون‌گذاری ایران شد. پس از آن، مواد ۶۷۳ تا ۶۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۷ و همچنین قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، داوری را به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حل و فصل غیرقضایی اختلافات مورد شناسایی قرار داده‌اند. افزون بر این، آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه نیز با هدف نهادینه‌سازی سازوکارهای حل اختلاف، به ایجاد شوراهای حل اختلاف اختصاص یافته است.

در کنار داوری، قانون‌گذار در مواد ۱۷۸ تا ۱۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی به نهاد سازش نیز تصریح کرده است. با این حال، در خصوص سایر شیوه‌های حل و فصل اختلاف از جمله میانجی‌گری (ADR)، چارچوب قانونی منسجم و مستقلی مشاهده نمی‌شود. هرچند می‌توان مشروعیت توسل به این شیوه‌ها را بر اساس اصل حاکمیت اراده و ماده ۱۰ قانون مدنی توجیه نمود، اما فقدان قواعد منظم و مشخص در خصوص نحوه اعمال آن‌ها، یکی از کاستی‌های اساسی نظام حقوقی ایران به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، شوراهای حل اختلاف که با هدف ترویج شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف تأسیس شده‌اند، در عمل به بخشی از ساختار قوه قضاییه تبدیل شده و از ماهیت واقعی روش‌های جایگزین حل اختلاف فاصله گرفته‌اند. این امر موجب شده است که میانجی‌گری به عنوان یک نهاد مستقل و کارآمد، جایگاه تثبیت‌شده‌ای در نظام حقوقی ایران نیابد.

۳-۱-۲- نقش میانجی‌گری در حقوق فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه، میانجی‌گری به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، جایگاهی تثبیت‌شده و ساختاریافته دارد. این نهاد نه تنها در حوزه‌های مختلفی همچون حقوق مدنی، تجاری و خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه از حمایت و شناسایی رسمی قانون‌گذار نیز برخوردار است.

چارچوب قانونی میانجی‌گری در حقوق فرانسه عمدتاً متأثر از دستور شماره ۲۰۱۱-۱۵۴۰ است که در راستای اجرای دستورالعمل EC/۵۲/۲۰۰۸ اتحادیه اروپا به تصویب رسیده است. این دستورالعمل با هدف ترویج استفاده از میانجی‌گری، به‌ویژه در اختلافات فرامرزی، چارچوبی منسجم برای تسهیل این نهاد در کشورهای عضو اتحادیه اروپا فراهم کرده است.

یکی از ویژگی‌های مهم نظام حقوقی فرانسه، وجود چارچوبی مشترک برای میانجی‌گری قضایی و غیرقضایی است. این انسجام باعث شده است که میانجی‌گری در حوزه‌های مختلف، از جمله اختلافات خانوادگی، به صورت کارآمد و نظام‌مند مورد استفاده قرار گیرد.

به طور کلی، میانجی‌گری در حقوق فرانسه به عنوان ابزاری مؤثر برای کاهش بار دستگاه قضایی و ارتقای کیفیت حل اختلافات شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که این روش، علاوه بر کاهش هزینه‌ها و زمان رسیدگی، به افزایش رضایت طرفین و دستیابی به راه‌حل‌های پایدار نیز کمک می‌کند.

۳-۲- بخش دوم: میانجی‌گری در اختلافات خانوادگی

۳-۲-۱- مفهوم میانجی‌گری خانوادگی

با توجه به ماهیت پویای نهاد خانواده و پیچیدگی روابط میان اعضای آن، بروز تعارضات و اختلافات امری اجتناب‌ناپذیر است. در بسیاری از موارد، تشدید این اختلافات می‌تواند منجر به گسست روابط عاطفی و تضعیف بنیان خانواده شود. در چنین شرایطی، استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف، به‌ویژه میانجی‌گری، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

میانجی‌گری خانوادگی به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حل و فصل غیرقضایی اختلافات، این امکان را فراهم می‌آورد که طرفین در محیطی بی‌طرف، محرمانه و کنترل‌شده، به بیان دیدگاه‌ها و دغدغه‌های خود پرداخته و با هدایت میانجی، به راه‌حلی توافقی دست یابند. ویژگی اصلی این شیوه، تمرکز بر حفظ روابط و دستیابی به توافقی پایدار است؛ امری که در دعاوی قضایی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۲-۲- زمان استفاده از میانجی‌گری خانواده

میانجی‌گری خانوادگی می‌تواند در موقعیت‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد، از جمله در مواردی نظیر جدایی و طلاق، اختلافات مربوط به ارث و سایر تعارضات خانوادگی (Haynes, 2021).

۳-۲-۳- انتخاب میانجی خانواده

انتخاب یک میانجی با تجربه و دارای مهارت‌های حرفه‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت فرآیند میانجی‌گری دارد (Folberg et al., 2004). در این راستا، عواملی همچون میزان آموزش تخصصی، تجربه عملی و اعتبار حرفه‌ای میانجی

باید مورد توجه قرار گیرد (Haynes, 2021). همچنین، رعایت اصل بی‌طرفی و تعهد میانجی به کمک به طرفین برای دستیابی به توافقی قابل قبول، از الزامات اساسی این فرآیند محسوب می‌شود (Beck & Sales, 2001).

۳-۲-۴- انواع تعارضات خانوادگی

در حوزه روابط خانوادگی، تعارضات را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد. نخست، تعارضات بین‌فردی که معمولاً ناشی از ضعف در ارتباطات بوده و با بی‌اعتمادی، سوءتفاهم و خصومت همراه است. دوم، تعارضات ناشی از تضاد منافع که به‌ویژه در شرایطی مانند پس از طلاق و در موضوعاتی نظیر حضانت و مسئولیت‌های والدینی بروز می‌یابد. سوم، تعارضات ساختاری که ریشه در شرایط اجتماعی و اقتصادی داشته و فراتر از روابط فردی عمل می‌کند (Roberts, 2016, pp. 116-117).

۳-۲-۵- تعریف اختلاف خانوادگی

اختلافات خانوادگی را می‌توان به‌عنوان نوعی ادعای اعتراضی نسبت به یک موضوع مشخص تعریف کرد که در آن، یکی از طرفین دیگری را مسئول یا مقصر تلقی می‌کند. این اختلافات معمولاً شامل بیان صریح مسائل مورد مناقشه و تمرکز بر موضوعاتی است که زمینه بروز تعارض را فراهم کرده‌اند. در مواردی مانند جدایی و طلاق، این اختلافات اغلب حول موضوعاتی نظیر حضانت، ملاقات با فرزند، نفقه و مسئولیت‌های والدینی شکل می‌گیرند (Emery, 2011).

۳-۲-۶- سازوکارهای حل اختلاف

نحوه مدیریت تعارضات خانوادگی به ماهیت اختلاف و شرایط طرفین بستگی دارد. درک ابعاد عاطفی و روانی تعارض، نقش مهمی در انتخاب سازوکار مناسب برای حل آن ایفا می‌کند. در این میان، روش‌های جایگزین حل اختلاف (ADR) از جمله میانجی‌گری، داوری و مذاکره، به‌عنوان ابزارهایی کارآمد در کنار دادرسی رسمی مطرح شده‌اند (Dervishi Hoveyda, 2014). میانجی‌گری به‌عنوان نوعی «مدیریت مذاکره» شناخته می‌شود که در آن، طرفین نقش اصلی را در فرآیند تصمیم‌گیری ایفا می‌کنند. این روش به‌ویژه در شرایطی که طرفین نیازمند دستیابی سریع به توافق هستند، کارآمد تلقی می‌شود (Folberg et al., 2004).

۳-۲-۷- تأثیر تعارضات خانوادگی بر فرزندان

اختلافات خانوادگی، به‌ویژه در شرایطی مانند طلاق، می‌تواند آثار قابل توجهی بر فرزندان داشته باشد. این آثار شامل چالش‌هایی همچون درک جدایی، احساس فقدان، خشم، سردرگمی و گاه احساس گناه است. با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نحوه مدیریت تعارض توسط والدین، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان سازگاری کودکان دارد و بسیاری از کودکان در صورت مدیریت صحیح شرایط، قادر به سازگاری مناسب خواهند بود (Bagshaw, 2016, p. 19).

۳-۳- بخش سوم: کلیات روش‌های جایگزین حل اختلاف (ADR)

۳-۳-۱- مفهوم و انواع روش‌های جایگزین حل اختلاف

روش‌های جایگزین حل اختلاف به مجموعه‌ای از سازوکارها اطلاق می‌شود که به‌منظور حل و فصل اختلافات خارج از چارچوب رسمی دادگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند. این روش‌ها با هدف کاهش هزینه‌ها، تسریع در رسیدگی و حفظ روابط میان طرفین توسعه یافته‌اند و شامل شیوه‌هایی نظیر مذاکره، میانجی‌گری، سازش و داوری هستند.

به‌طورکلی، این شیوه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- روش‌هایی که تصمیم‌شخص ثالث در آن‌ها الزام‌آور نیست
- روش‌هایی که تصمیم‌شخص ثالث ماهیت الزام‌آور دارد

۳-۲-۳- روش‌های غیرالزام‌آور

الف- مذاکره

مذاکره ساده‌ترین و رایج‌ترین شیوه حل اختلاف است که در آن طرفین بدون دخالت شخص ثالث، از طریق گفت‌وگوی مستقیم تلاش می‌کنند به توافق دست یابند. در این روش، کنترل کامل فرآیند و نتیجه در اختیار طرفین است و هیچ الزام بیرونی برای پذیرش نتیجه وجود ندارد. در واقع، مذاکره نقطه آغاز بسیاری از اختلافات است و در صورت عدم حصول توافق، ممکن است طرفین به سایر روش‌های جایگزین همچون میانجی‌گری روی آورند.

ب- میانجی‌گری

میانجی‌گری فرآیندی است که در آن شخص ثالثی بی‌طرف، بدون آنکه اختیار تصمیم‌گیری داشته باشد، به طرفین کمک می‌کند تا از طریق گفت‌وگو به راه‌حلی توافقی دست یابند. ویژگی اصلی میانجی‌گری، بی‌طرفی میانجی و عدم تحمیل راه‌حل است. در این فرآیند، میانجی نقش تسهیل‌گر ارتباط را ایفا می‌کند و از ارائه نظر الزام‌آور یا تحمیل راهکار خودداری می‌نماید. هدف اصلی، ایجاد درک متقابل میان طرفین و دستیابی به توافقی است که هر دو طرف آن را بپذیرند. در نظام‌های حقوقی اروپایی، میانجی‌گری در قالب چارچوبی مشترک در دو سطح قضایی و غیرقضایی شناسایی شده است. میانجی‌گری قضایی زمانی رخ می‌دهد که فرآیند تحت نظارت دادگاه یا با ارجاع قاضی انجام می‌شود، در حالی که میانجی‌گری غیرقضایی خارج از فرآیند رسمی دادرسی و بر پایه توافق طرفین صورت می‌گیرد.

ج- سازش

سازش فرآیندی است که در آن شخص ثالثی به نام «سازش‌دهنده» تلاش می‌کند با ارائه پیشنهادها و راهکارهای عملی، طرفین را به توافق نزدیک کند. برخلاف میانجی‌گری، در سازش نقش شخص ثالث فعال‌تر است و ممکن است پیشنهادهایی مشخص برای حل اختلاف ارائه دهد. به همین دلیل، سازش حالتی بینابین میان مذاکره و داوری دارد و می‌توان آن را ترکیبی از تسهیل‌گری و مشاوره دانست.

۳-۳-۳- روش‌های الزام‌آور

داوری

داوری مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین شیوه حل و فصل غیرقضایی اختلافات در دسته روش‌های الزام‌آور به‌شمار می‌رود. در این روش، طرفین اختلاف با توافق یک یا چند داور را انتخاب می‌کنند تا پس از رسیدگی به موضوع، رأی صادر کنند.

ویژگی اساسی داوری، الزام آور بودن رأی داور است؛ به گونه‌ای که رأی صادره از حیث آثار حقوقی، مشابه رأی دادگاه تلقی می‌شود.

هرچند داوری ریشه در توافق طرفین دارد، اما امروزه بسیاری از حقوقدانان برای آن ماهیتی دوگانه قائل‌اند؛ بدین معنا که داوری علاوه بر جنبه قراردادی، دارای کارکردی شبه قضایی نیز هست. داور مکلف است اصولی نظیر بی طرفی، رعایت حقوق دفاعی طرفین و اصل برابری را رعایت کرده و رأیی مستدل و الزام آور صادر نماید.

۳-۴-۲- بخش چهارم: بررسی تطبیقی ایران و فرانسه در اختلافات خانوادگی

۳-۴-۱- ابعاد فرهنگی

در ایران، ساختار خانواده مبتنی بر ارزش‌های جمع‌گرایانه است و شبکه خانواده گسترده نقش مهمی در مدیریت تعارضات دارد. در مقابل، در فرانسه با غلبه فرهنگ فردگرایی، استقلال شخصی نقش پررنگ‌تری در روابط خانوادگی ایفا می‌کند.

همچنین، نقش‌های جنسیتی در ایران غالباً سنتی‌تر است، در حالی که در فرانسه گرایش به برابری جنسیتی بیشتر مشاهده می‌شود. افزون بر این، مذهب در ایران تأثیر قابل توجهی بر حل اختلافات خانوادگی دارد، در حالی که در فرانسه به دلیل حاکمیت اصل سکولاریسم، این تأثیر محدودتر است.

۳-۴-۲- ابعاد حقوقی

نظام حقوقی ایران مبتنی بر موازین شریعت اسلامی است که بر حوزه‌هایی همچون ازدواج، طلاق و حضانت تأثیرگذار است. در مقابل، حقوق فرانسه بر پایه نظام حقوق مدنی و اصول سکولار شکل گرفته است.

هر دو کشور استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف را در حوزه خانواده تشویق می‌کنند، اما در فرانسه این سازوکارها از چارچوب قانونی منسجم‌تری برخوردارند. در حالی که در ایران، میانجی‌گری بیشتر با هدف حفظ بنیان خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد، در فرانسه بر استقلال طرفین و کارآمدی فرآیند تأکید می‌شود.

۳-۴-۳- ابعاد نهادی

در کنار ابعاد فرهنگی و حقوقی، ساختارهای نهادی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه مواجهه با اختلافات خانوادگی ایفا می‌کنند. تفاوت در سازماندهی نهادهای قضایی و حمایتی در ایران و فرانسه، به‌طور مستقیم بر کارآمدی شیوه‌های حل اختلاف، به‌ویژه روش‌های جایگزین، تأثیرگذار است.

در نظام حقوقی ایران، دادگاه‌های خانواده به عنوان شعب تخصصی قوه قضاییه فعالیت می‌کنند و رسیدگی به دعاوی خانوادگی در چارچوبی نسبتاً متمرکز و رسمی صورت می‌گیرد. این تمرکز نهادی، اگرچه به انسجام رویه‌های قضایی کمک می‌کند، اما در برخی موارد می‌تواند انعطاف‌پذیری لازم برای بهره‌گیری مؤثر از سازوکارهای غیرقضایی مانند میانجی‌گری را محدود سازد.

در مقابل، در نظام حقوقی فرانسه، رسیدگی به اختلافات خانوادگی در بستر گسترده‌تر نظام حقوق مدنی و با بهره‌گیری از نهادهای مکمل، از جمله خدمات اجتماعی و میانجی‌گری سازمان‌یافته، انجام می‌شود. این تنوع نهادی،

امکان ارجاع مؤثرتر اختلافات به سازوکارهای غیرقضایی را فراهم کرده و موجب شده است میانجی‌گری به عنوان بخشی از فرآیند حل اختلاف، جایگاهی تثبیت‌شده‌تر داشته باشد.

از حیث خدمات حمایتی نیز تفاوت‌هایی قابل توجه مشاهده می‌شود. در ایران، ارائه خدمات حمایتی به خانواده‌ها ترکیبی از نهادهای دولتی و بعضاً نهادهای مبتنی بر رویکردهای فرهنگی و مذهبی است، در حالی که در فرانسه این خدمات عمدتاً توسط نهادهای دولتی و سازمان‌های غیردولتی با ساختاری نظام‌مند و تخصصی ارائه می‌گردد.

۴- جمع‌بندی تطبیقی

برآیند بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که تفاوت‌های موجود میان ایران و فرانسه در سه سطح فرهنگی، حقوقی و نهادی، به شکل‌گیری رویکردهای متفاوت در مدیریت اختلافات خانوادگی منجر شده است.

در حالی که در ایران، تأکید بر حفظ انسجام خانواده و ارزش‌های سنتی موجب گرایش بیشتر به راهکارهای مصالحه‌آمیز در چارچوب‌های نسبتاً رسمی شده است، در فرانسه، تمرکز بر استقلال فردی و کارآمدی نهادی، زمینه توسعه‌یافته‌تری برای استفاده از سازوکارهای انعطاف‌پذیر مانند میانجی‌گری فراهم کرده است.

از این رو، می‌توان گفت کارآمدی روش‌های جایگزین حل اختلاف، صرفاً تابع پیش‌بینی قانونی آن‌ها نیست، بلکه به میزان نهادینه‌شدن این روش‌ها در ساختارهای حقوقی و اجتماعی هر کشور وابسته است. این نکته می‌تواند در ارائه پیشنهادها برای بهبود جایگاه میانجی‌گری در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار گیرد.

۵- نتیجه‌گیری

میانجی‌گری خانوادگی به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حل و فصل غیرقضایی اختلافات، نقش مؤثری در کاهش تنش‌های خانوادگی و حفظ روابط میان اعضای خانواده ایفا می‌کند. این شیوه، با فراهم آوردن فضایی مبتنی بر گفت‌وگو، تفاهم و مشارکت، امکان دستیابی به راه‌حل‌هایی پایدار و مورد پذیرش طرفین را فراهم می‌سازد؛ امری که در فرآیندهای رسمی دادرسی کمتر حاصل می‌شود.

در این میان، اختلافات ناشی از جدایی و طلاق، به‌ویژه از منظر آثار روانی و اجتماعی بر فرزندان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنین شرایطی مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد حقوقی و روان‌شناختی بوده و بهره‌گیری از روش‌های جایگزین حل اختلاف می‌تواند در کاهش پیامدهای منفی این تعارضات نقش بسزایی داشته باشد.

با وجود پیش‌بینی برخی سازوکارهای غیرقضایی در نظام حقوقی ایران، از جمله داوری و شوراهای حل اختلاف، شواهد نشان می‌دهد که این نهادها به‌ویژه در حوزه اختلافات خانوادگی، به‌طور کامل در تحقق اهداف مورد انتظار موفق نبوده‌اند. عواملی همچون فقدان تخصص کافی در میان متولیان امر، تراکم بالای پرونده‌ها و غلبه رویکردهای کمی بر کیفی، از جمله موانع کارآمدی این نهادها به شمار می‌روند.

در این راستا، تقویت جایگاه میانجی‌گری به عنوان نهادی مستقل و تخصصی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت بهبود نظام حل اختلافات خانوادگی باشد. این امر مستلزم تدوین چارچوب‌های قانونی منسجم، تربیت میانجی‌گران متخصص و ایجاد بسترهای نهادی مناسب برای بهره‌گیری مؤثر از این شیوه است. همچنین، استفاده هدفمند از میانجی‌گری در کنار سایر روش‌های حمایتی، می‌تواند به تحقق عدالت ترمیمی و حفظ بنیان خانواده کمک نماید.

از منظر تطبیقی، بررسی نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه نشان می‌دهد که کارآمدی روش‌های جایگزین حل اختلاف، بیش از آنکه صرفاً به پیش‌بینی قانونی آن‌ها وابسته باشد، به میزان نهادینه‌شدن این سازوکارها در ساختارهای

حقوقی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور بستگی دارد. در حالی که در فرانسه، میانجی‌گری از پشتوانه نهادی و قانونی منسجم‌تری برخوردار است، در ایران این نهاد همچنان نیازمند توسعه و بازنگری ساختاری است. براین‌اساس، بهره‌گیری از تجارب موفق نظام‌های حقوقی دیگر، به‌ویژه در زمینه نهادینه‌سازی میانجی‌گری، می‌تواند در ارائه راهکارهای اصلاحی برای ارتقای کارآمدی نظام حقوقی ایران در حوزه اختلافات خانوادگی مؤثر واقع شود.

منابع

- اربابی، علیرضا. (۱۳۷۹). قضا‌دایی از دعاوی خانواده و تأثیر آن بر خانواده (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه محدث نوری.
- پورآقا، نیر، صادقی‌نژاد پاریزی، مصطفی. (۱۳۷۵). بررسی مصالحه به عنوان روش غیرقضایی حل اختلاف در نظام حقوقی ایران. در اولین کنگره ملی علوم انسانی و وقف. اهواز: اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خوزستان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق (چاپ ششم). تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری، عباس. (۱۳۹۳). داوری در دعاوی خانوادگی: قوانین موضوعه و رویه قضایی. تهران.
- جلالی، مهدی. (۱۳۸۸). طلاق و خला‌های قانون داوری. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۱(۴۳).
- درویشی هویدا، یوسف. (۱۳۹۳). شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف. تهران: میزان.
- رهگشا، امیرحسین. (۱۳۹۱). نگاهی به شوراهای حل اختلاف. تهران: انتشارات دانشور.
- زرکام، ستار. (بدون تاریخ). مزایا و معایب میانجی‌گری-داوری. مجله کانون وکلا.
- علیمردانی، صدیقه. (۱۳۸۶). نقش داوری در حل و فصل اختلافات خانوادگی زوجین متقاضی طلاق (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه اصفهان.
- هادی، سولماز، حاجی‌پور، مرتضی. (۱۳۹۵). بررسی شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف از منظر حقوق ایران و فقه امامیه. فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله. (۱۳۸۴). داوری اجباری در دعاوی خانوادگی. فصلنامه فقه و حقوق، ۲.
- Bagshaw, D. (2016). Mediation in the family context. London: Routledge.
- Beck, C. J., & Sales, B. D. (2001). Family mediation: Facts, myths, and future prospects. Washington, DC: American Bar Association.
- Emery, R. E. (2011). Renegotiating family relationships: Divorce, child custody, and mediation. New York: Guilford Press.
- Folberg, J., Milne, A. L., & Salem, P. (2004). Divorce and family mediation: Models, techniques, and applications. New York: Guilford Press.
- Haynes, J. M. (2021). Family mediation: Contemporary issues. New York: Routledge.
- Hermann, P. (2017). Family mediation: Theory and practice. London: Palgrave Macmillan.
- Lande, J. (2012). The revolution in family law dispute resolution. Law Foundation of British Columbia. (2008). Vancouver report.
- Law Reform Commission of Hong Kong. (2003). Report. Retrieved from <http://www.info.gov.hk/hkreform>
- Malhotra, A., & Malhotra, R. (n.d.). Alternative dispute resolution in Indian family law: Realities, practicalities and necessities.
- McFarlane, T. (n.d.). Mediation: The future of dispute resolution in contemporary Scots family law. University of Aberdeen.